

بررسی دلایل هژمونیک شدن گفتمان ایران هراسی و شیعه هراسی بر اساس نظریه لاکلائو و موفه

عباس صالحی نجف آبادی^۱

استادیار و عضو هیأت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان

بهنام خسروی^۲

دانشجوی کارشناسی ارشد دیپلماسی و سازمان‌های بین‌المللی دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه (نویسنده مسئول)

راضیه صانعی^۳

دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۵/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۳/۰۱



انجمن مطالعات جهان اسلام

Islamic World Studies Association

جمعیت در اسات العالم الاسلامی

فصلنامه علمی-پژوهشی

پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

۱۸۵

چکیده

برای فهم روشمند ریشه و ماهیت تنش‌های میان ایران و کشورهای عربی به‌ویژه عربستان باید به‌صورت جدی به این سؤال اساسی پاسخ دهیم که چرا پروژه هژمونیک شدن ایران هراسی تا به این اندازه میان اعراب و به‌ویژه عربستان مقبولیت پیدا کرده است؟ در پاسخ به این سؤال به نظر می‌رسد الگوی تحلیل لاکلائو و موفه در بحث هژمونیک شدن گفتمان‌ها به‌خوبی می‌تواند این فرایند را تحلیل کند؛ زیرا از طرفی نشان می‌دهد که گفتمان ایران هراسی ساخته‌وپرداخته رسانه‌های غربی و برخی کشورهای عربی به‌ویژه عربستان می‌باشد و از طرف دیگر این نکته را در نظر دارد که گفتمان اسلام هراسی، ایران هراسی و شیعه هراسی بر یک زمینه تاریخی و مذهبی قرار گرفته و توانسته است در بین اعراب سنی مذهب مقبولیت زیاد پیدا کند و به‌نوعی دعوای تاریخی عرب و عجم، شیعیان و اهل سنت امروزه در قالب گفتمان ایران هراسی تثوریزه گردیده است.

واژه‌های کلیدی: گفتمان هژمونیک، ایران هراسی، نظم منطقه‌ای، قابلیت دسترسی و اعتبار، عاملان و کارگزاران سیاسی

1. salehi.abas@yahoo.com

2. Kh_behnam_69@yahoo.com

3. negarsane1368@gmail.com

دوالیسم تاریخی تضاد بین ایرانی- ایرانی، عرب- عجم و اعراب و موالی، امروزه خود را به صورت پروژه ایران هراسی و شیعه هراسی در منطقه خاورمیانه بازتولید نموده است که فهم ماهیت، دلایل، انگیزه‌های بازیگران و پیامدهای آن برای کارشناسان مسائل منطقه بسیار اساسی می‌باشد. درواقع برای فهم ریشه و ماهیت اختلافات میان ایران و عربستان در سوریه، عراق، بحرین و اخیراً یمن باید به صورت جدی به این سؤال اساسی پاسخ دهیم که چرا اعراب و به‌ویژه عربستان از ایران می‌ترسند؟ پیشینه تاریخی تا چه اندازه بر هژمونیک شدن و مقبولیت پروژه ایران هراسی در میان اعراب نقش داشته است؟ بنابراین در این مقاله تلاش شده است تا با استفاده از روش تحلیل گفتمان، دلایل هژمونیک شدن گفتمان ایران هراسی با استفاده از اندیشه‌های لاکلائو^۱ و موفه^۲ مورد موشکافی قرار گیرد.

۱. چارچوب نظری: روش تحلیل گفتمانی

زمینه و فضایی که منجر به گسترش مفهوم گفتمان در نیمه دوم قرن بیستم گردید، می‌توان ناشی از افول نظریات اثبات‌گرا^۳ در برابر نظریات تأویل‌گرا^۴ دانست. در دیدگاه تأویلی، به‌طورکلی هدف کشف معانی و کردارهای زبانی است که در متن آن‌ها داده‌های عینی شکل می‌گیرند. تأویل وقتی عمق می‌یابد از سطح خود فهمی‌های روزمره کارگزاران اجتماعی فراتر می‌رود و کشف معانی و کردارهای مشترک و بین‌الذهانی^۵ ضرورت می‌یابد. بنابراین، تأویل عمقی به معنی فراتر رفتن از نگرش‌های ذهنی و خود فهمی‌های سطحی و رسیدن به عمق یعنی معانی بین‌الذهانی است. انگیزه اصلی این است که فهم معانی بین‌الذهانی مندرج در کردارها، توضیح آن کردارها را تسهیل می‌کند. به عبارت دیگر، تعبیر معانی بین‌الذهانی همان تعبیر کردارها و زندگی اجتماعی است. این نظریه بر نقش زبان در بازنمایی و نیز ایجاد واقعیت اجتماعی تأکید می‌کند. بنابراین نظریه، دسترسی به واقعیت تنها از طریق زبان میسر



1. Laclau
2. Mouffe
3. Positivist theories
4. interpretation theories
5. inter-subjectivity

است؛ اما بازنمایی واقعیت از طریق زبان هرگز بازتاب واقعیت از پیش موجود و عینی نیست، بلکه در این بازنمایی، زبان در ایجاد واقعیت نقش ایفا می‌کند. (بشیریه، ۱۳۸۲: ۳۴۶)

۱-۱. چگونگی هژمونیک شدن گفتمانی از منظر تئوریک

در تحلیل گفتمان مبارزه برای دستیابی به هژمونی از طریق پروژه‌های سیاسی از اهمیت زیادی برخوردار است. این به این علت است که رفتارهای استیلاجویانه در فرایندهای سیاسی از اهمیت زیادی برخوردار است و فرایندهای سیاسی هم به نوبه خود برای شکل‌گیری و انحلال گفتمان‌های اهمیت حیاتی دارد. اعمال هژمونیک نمونه‌ای از اعمال سیاسی‌اند و شامل پیوند هویت‌های متفاوت و نیروهای سیاسی به یک پروژه مشترک و ایجاد نظم اجتماعی جدید از عناصر پراکنده و متنوع است. گرامشی برای اولین بار مفهوم هژمونی را به کار برد. از نگاه او فرایند هژمونی، فرایند تثبیت موقت هویت‌ها بوده و طبقه‌ها و نیروهای اجتماعی مجموعه‌ای از نیروها و افراد با موقعیت‌های و هویت‌های متزلزل به شمار می‌آیند که از راه فرایند هژمونی به‌طور موقت منسجم شده‌اند. هژمونی قدرت را به حقیقت تبدیل کرده و سلطه را به جای زور بر اندیشه و اغنا مبتنی می‌کند؛ همچنین دستگاه‌های ایدئولوژیک را بر دستگاه‌های اجبار مقدم می‌شمارد و می‌کوشد تا رضایت و اجماع مردم را به دست آورده و نظام هژمونیک را از مقبولیت برخوردار سازد (مارش و استوکر، ۱۳۸۴: ۱۵). به نظر گرامشی طبقه کارگر برای تقویت خود در مبارزه سیاسی باید نیروهای مختلف اجتماعی را نمایندگی نماید. برای این منظور باید شعارها و تقاضاهای خود را ارتقا دهد و منافع عام مردم یا ملت را نمایندگی کند. بنابراین هژمونی همواره همراه با نوعی عام‌گرایی است. هژمونی منطق سیاسی است که به ایجاد اجماع و عقل سلیم^۱ جدید منجر می‌شود. ارنستو لاکلائو تلاش پروژه‌های سیاسی برای تثبیت گفتمان‌های محدود و معین را اعمال هژمونیک می‌نامد. این اعمال دو شرط دارند: اول وجود خصومت^۲ و نیروهای متخاصم و دوم بی‌ثباتی مرزهایی که این نیروها را متمایز می‌کند. بنابراین زمینه اعمال هژمونیک حوزه اجتماعی خصمانه و پروژه‌های مختلفی است که باهم در نزاع و رقابت‌اند و عناصری که می‌توانند جذب و مفصل‌بندی^۳ شوند. هدف اعمال هژمونیک

1. common sense

2. antagonism

3. articulation



ایجاد یا تثبیت نظام معنایی یا صورت‌بندی هژمونیک است. این صورت‌بندی‌ها در اطراف دال مرکزی سازمان یافته‌اند که جامعه در اطراف آن شکل می‌گیرد. هژمونیک شدن یک گفتمان به معنای موفقیت آن در تثبیت معانی مورد نظر خود است (حسینی زاده، ۱۳۷۸: ۲۱۰).

گفتمان‌های هژمونیک^۱ هرگز نمی‌توانند مطلق و دائمی باشند و هرگز نمی‌توانند همه نیروهای اجتماعی را جذب کرده و خود را بر ذهن همه مردم مسلط سازند. بنابراین همواره مخالفت‌ها و نارضایتی‌هایی وجود خواهد داشت و هیچ‌گاه همه مردم از یک گفتمان خاص حمایت نخواهند کرد. گفتمان‌های هژمونیک در سراسر رابطه‌های اجتماعی به صورت نابرابر گسترش می‌یابد. به این معنا که برخی نهادها و نیروهای اجتماعی مورد حمایت فعالانه فرایندهای هژمونیک قرار گرفته و تقویت می‌شوند در حالی که دیگر نهادها و نیروها در حاشیه قرار گرفته و یا به‌زور مجبور به پذیرش گفتمان برتر می‌شود. موقعیت گفتمان هژمونیک به شدت نیازمند ممانعت از شکل‌گیری و نفوذ گفتمان‌های مخالف و اتحاد عناصر ناراضی در درون این گفتمان‌ها می‌باشد. زیرا هر قدرت هژمونیک برای بقای خود نیازمند به از بین بردن همه مخالفت‌های تهدیدآمیز است (بابی سعید، ۱۳۷۹: ۱۰۰).

دیوید هوارث^۲ رفتارهای هژمونیک را دارای دو پیش شرط مهم می‌داند: اول اینکه لازمه رفتارهای هژمونیک، ترسیم مرزهای سیاسی است. به عبارت بهتر می‌بایست کشمکش میان نیروهای مخالف و جداسازی برخی از احتمالات در تأسیس هژمونی وجود داشته باشد. دوم لازمه رفتارهای هژمونیک در دسترس بودن دلالت‌کننده‌های شناور^۳ است که توسط گفتمان‌های موجود تثبیت نشده‌اند. به سبب در دسترس بودن این عناصر هدف رفتارهای استیلا جویانه هژمونیک مفصل‌بندی آن‌ها در یک پروژه سیاسی و در نتیجه معنا بخشیدن به آن‌ها می‌باشد (مارش و استوکر، ۱۳۸۴: ۲۰۹). لاکلائو و موفه در کتاب هژمونی و استراتژی سوسیالیستی به بحث درباره هژمونی پرداخته‌اند. از دید آن‌ها کالبدشکافی دنیای جدید ما را به این حقیقت رهنمون می‌سازد که گفتمان نئولیبرالیسم و جهانی‌شدن اگرچه ادعا می‌کنند که گفتمان‌هایی بدون جایگزین هستند اما دلیل اصلی اینکه این گفتمان‌ها توانسته‌اند خود را فراتر از تاریخ و نظم اجتماعی ممکن به صورت طبیعی نشان دهند تجلی مفصل‌بندی خاص قدرت

1. Hegemonic discourse

2. David Howarth

3. elements

می‌باشد. درواقع این نشان دهنده هژمونیک بودن گفتمان لیبرالیسم می‌باشد که توانسته است خود را به‌عنوان سرنوشتی که همه باید تسلیم آن شویم نمایان می‌سازد. لاکلائو و موفه نظریه خود را بر بسط مفهوم هژمونی و پیامدهای آن متکی می‌کنند و از طریق بسط این مفهوم به این نتیجه می‌رسند که هویتی که به کارگزاران اجتماعی داده می‌شود تنها با مفصل‌بندی در درون یک صورت‌بندی هژمونیک به دست می‌آید و هیچ ثبات^۱ و عینیتی ندارد. فرایند هژمونی و صورت‌بندی‌های هژمونیک نیز خود موقتی‌اند و لذا هیچ‌گاه جامعه به تثبیت نهایی نمی‌رسد. (حسینی زاده، ۱۳۷۸: ۲۰۲)

مطابق گفته میشل فوکو^۲ در هرزمانی، دال‌های شناوری در فضا وجود دارد که گفتارهای سیاسی پیرامون آن‌ها شکل می‌گیرد و تلاش می‌شود تا از طریق دال مرکزی مفصل‌بندی آن‌ها به نحوی تثبیت شوند. در این میان علاوه بر قدرت مفصل‌بندی موارد دیگری نیز مطرح است که اسباب برتری یک گفتمان بر دیگری می‌گردد. گفتمان‌ها یا به تعبیر لاکلائو اسطوره‌های اجتماعی محصول بی‌قراری‌های ساختاری‌اند. اسطوره نوعی بازنمایی و تبیین شرایط بی‌قرار اجتماعی است و درصدد است تا پاسخی مناسب به بحران موجود ارائه کند. به نظر لاکلائو برای بازنمایی و تبیین یک فضای اجتماعی نیاز به ایجاد فضایی است که لزوماً وجهی استعاری^۳ و اسطوره‌ای دارد. بنابراین دو فضا وجود دارد: فضای بازنمایی شده و فضایی که بازنمایی می‌شود. به سخن دیگر، فضای اجتماعی موجود و فضای گفتمانی که به‌صورت آرمانی ساخته شده است. حوزه اسطوره‌ای که توسط سوژه‌ها ساخته می‌شود شکل منطقی مشابهی با ساختار موجود ندارد، بلکه نقد و جایگزینی ساختار موجود است که ویژگی کارکرد اسطوره‌ای را تشکیل می‌دهد. به عبارت دیگر، فضای اسطوره‌ای به‌عنوان جایگزین منطقی گفتمان ساختاری مسلط مطرح می‌شود. (Laclau, 1990: 60)

۲. چگونگی هژمونیک شدن گفتمان ایران هراسی (مدل پژوهش)

به دنبال تنظیم بحث روند هژمونیک شدن ایران هراسی در خاورمیانه بر پایه روش تجزیه و تحلیل گفتمان هستیم، بنابراین در ادامه به‌عنوان چارچوب مفهومی و مبنای نظری به

1. islocation
2. Michel Foucault
3. metaphoric

چگونگی هژمونیک شدن یک گفتمان بر اساس دیدگاه‌های لاکلائو و موفه پرداخته می‌شود. بر اساس دیدگاه‌های این متفکران دو عامل کنشگران سیاسی، قابلیت دسترسی و اعتبار نقش اساسی در برتری و هژمونیک شدن هر گفتمان ایفا می‌کنند.

۲-۱- نقش عاملان و کارگزاران سیاسی^۱

از نگاه لاکلائو و موفه نقش عاملان سیاسی به مثابه سوژه باید در چهارچوب نظریه گفتمان تحت عنوان موقعیت‌های سوژگی^۲ باید مورد توجه قرار گیرد. لاکلائو و موفه همچون فوکو خصلت ماقبل گفتمانی سوژه را نفی می‌کنند و نقش سازنده‌ای را که عقل‌گرایی و تجربه‌گرایی به افراد انسانی می‌دهد نمی‌پذیرند. لاکلائو ضمن پذیرش این‌که هویت سوژه‌ها از طریق اعمال گفتمانی ساخته می‌شود نقدهایی نیز بر آلتوسر وارد می‌کند. اولاً، لاکلائو معتقد است برخلاف تصور آلتوسر اعمال ایدئولوژیک حوزه نسبتاً خودمختار صورت‌بندی اجتماعی و متمایز از اعمال سیاسی و اقتصادی نیستند بلکه اعمال اجتماعی همگی گفتمانی‌اند؛ ثانیاً، تصور ساختارهای اجتماعی از پیش موجود که اعمال ایدئولوژیک را تعیین می‌کنند در نظریه گفتمانی قابل پذیرش نیست (Laclau, 2002: 140).

۲-۱-۱- نقش مطبوعات عربی و فیلم‌های هالیوودی به عنوان کارگزاران گسترش ایران

هراسی کشورهای عرب زبان

مبحث ایران هراسی به مثابه یک گفتمان، ریشه در اندیشه برتری عرب در برابر عجم دارد که به دوره حمله اعراب به ایران و سپس گرویدن ایرانیان به مذهب تشیع بازمی‌گردد. از این منظر، گفتمان ایران هراسی بیان‌کننده احساس مخالفت یا دشمنی با سیاست‌ها، فرهنگ، جامعه، اقتصاد یا نقش بین‌المللی ایران است (خواجه سروری و بهرامی، ۱۳۹۳، ۸۹-۸۸). ایران هراسی، بعد از انقلاب اسلامی ایران به دلیل شعارها و آرمان‌های انقلاب و رهبران آن، همچنان در دستور کار برخی کشورهای عربی قرار دارد.

لقاء هراس از ایران از همان سال‌های ابتدایی وقوع انقلاب اسلامی و شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی، به عنوان یک پروژه گفتمانی به اشکال مختلفی در رسانه‌های عربی جلوه‌گر



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association

جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی-پژوهشی

پژوهش‌های بای جهان اسلام

۱۹۰

سال پنجم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۴

1. political subjectivity

2. subject positions

شده است؛ پدیده‌ای که می‌توان آن را به‌مثابه پروژه‌ای عظیم در نظر گرفت که هدف آن، نه‌تنها ایران هراسی، بلکه تشدید هراس از اسلام، مسلمانان و به‌ویژه شیعیان است. انقلاب اسلامی، ایران را کانون توجهات جهان اسلام قرارداد. این مهم به همراه موقعیت این کشور باعث شد که ایران به بازیگری تأثیرگذار بر مناسبات دو منطقه خاورمیانه عربی و جنوب غرب آسیا تبدیل شده و در شرایط مذکور عملاً منافع آمریکا و متحدان آن را به چالش بکشد. سیاست‌های آمریکا در منطقه خاورمیانه با قدرت‌یابی جمهوری اسلامی ایران که از زمان پیروزی انقلاب اسلامی به‌عنوان اصلی‌ترین دشمن آمریکا در خاورمیانه ظهور کرده است، با مانع جدی روبه‌رو شد. لذا آمریکا از همان روزهای آغازین انقلاب اسلامی تحت عناوین مختلف به مقابله با ایران پرداخت. آمریکا با توجه به شرایط داخلی دستگاه سیاست خارجی، شرایط منطقه‌ای در خلیج فارس و موقعیت برتر این کشور در زمان پهلوی هرگز حاضر نشد تغییرات ایجادشده در عرصه سیاسی و اجتماعی ایران را بپذیرد. در این مسیر کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس به دلیل نزدیکی به ایران و هراس از قدرت‌یابی این کشور با پیگیری سیاست ایران هراسی در رسانه‌های خود، عملاً نقش بازوی منطقه‌ای آمریکا را دنبال کردند. (ایزدی و دیگران، ۱۳۹۲: ۷۰)

۲-۱-۲- نقش رسانه‌های عرب‌زبان

در حال حاضر رسانه‌های جهان عرب در دودسته قابل تقسیم بندی هستند. یک بخش رسانه‌های مربوط به کشورهای معتدل عربی (مثل الجزایر، لبنان، مراکش و...) هستند. این کشورها ابعاد رسانه‌ای محدود و بیشتر سیاست‌های بی‌طرفانه دارند؛ اما سه کشور عمده در جهت‌دهی رسانه‌ها، شکل‌دهی و مهندسی افکار عمومی جهان عرب نقش دارند و آن عربستان سعودی، قطر و مصر است. قطر دارای رسانه قدرتمند مثل الجزیره است که در حال حاضر هشت شبکه زیرمجموعه الجزیره قرار دارد. عربستان سعودی با داشتن یک‌صد رسانه ماهواره‌ای و گردش مالی سالانه ۱۰ میلیارد دلار در حوزه رسانه و مصر به علت داشتن نیروهای باتجربه رسانه‌ای در حقیقت افکار عمومی جهان عرب را مهندسی می‌کنند. به همین دلیل به نظر می‌آید که این سه کشور یعنی عربستان، مصر و قطر بیشترین نقش را در سازمان‌دهی رسانه‌ها و افکار عمومی اعراب‌دارند. عربستان سعودی بیشترین جهت‌دهی را به



لحاظ سیاسی و عقیدتی و قطر هم به لحاظ حمایت از جریان‌های تکفیری سلفی نقش مؤثری دارد (خبرگزاری فارس، مصاحبه با حسن هانی زاده، سوم تیر ۱۳۹۴). سر خط مهم‌ترین اخبار رسانه‌های عربی به شرح زیر است.

الف) مسئله هسته‌ای:

جدول ۱: رویکرد رسانه‌های قطر و عربستان به پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران

رسانه	کشور	موضع
العربیه	عربستان	توافق هسته‌ای تهاجم به منافع اعراب است و باعث رقابت هسته‌ای در منطقه می‌شود
خبرگزاری واس	عربستان	حساسیت آمریکا نسبت به امنیت متحدان خود در برابر ایران علی‌رغم انعقاد توافق هسته‌ای
الجزیره	قطر	قدرتمند شدن ایران در منطقه و حمایت بیشتر تهران از شیعیان
روزنامه الوطن	عربستان	تلاش ایران برای دخالت در کشورهای منطقه روند صعودی خواهد گرفت و شکاف قومیتی را موجب خواهد شد

(باشگاه خبرنگاران جوان، یک مرداد ۱۳۹۴)



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام

۱۹۲

سال پنجم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۴

ب) بحران سوریه:

جدول ۲. مقایسه رویکرد بی. بی. سی عربی و العربیه نسبت به بحران سوریه

عنوان رسانه / موضوعات	گفتمان بی بی سی عربی	گفتمان العربیه
حکومت سوریه	بی منطق، ظالم، خلاف حقوق بشر، نیازمند برخورد جدی، منزوی و رو به زوال	منفعت طلب، بی منطق، جنایتکار، دروغگو و فریبکار، ضد فرهنگ و انسانیت، منزوی و رو به زوال
کشورهای حامی حکومت سوریه	منفعت طلب، بی منطق، باعث ایجاد ناامنی و جنایات بیشتر، حمایت های سست و زودگذر	منفعت طلب، ریاکار، دروغ پرداز، بی مبالا، شریک در جنایات، شایسته سقوط
گروه های مخالف حکومت سوریه	ناشناخته، پیگیر و نیازمند اصلاح و دارای اقدامات کم اثر	گروه های مردمی مسالمت آمیز
کشورهای حامی مخالفان حکومت سوریه	دغدغه مند و دارای منش انسانی و منطقی	دغدغه مند و پیگیری در نجات هویت ملت عرب
راه حل بحران	نه فقط از طریق گفتگو بلکه هرگونه تحریم و کنار گذاشتن اختلافات	کمک رسانی سریع و همه جانبه به مخالفان و برخورد جدی با رژیم اسد

(بشیر و کرم فر، ۱۳۹۳: ۱۲۰)

شبکه الجزیره قطر نیز برای گسترش ایران هراسی، پخش گزارش های متعدد درباره مالکیت جزایر سه گانه خلیج فارس (تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی)، و همچنین خط مشی ضد ایرانی و به سخره گرفتن اعتراض ایرانیان درباره نشنال جئوگرافی^۱ و تغییر نام خلیج فارس را در دستور کار قرار داد. این شبکه به طور مداوم به مخاطبان خود القا می کرد

1. National Geographic

که ایران در حال دخالت در عراق است و با برنامه‌های متعدد سعی در باورپذیر کردن ادعای دروغ ساخت بمب اتم توسط ایران بود. تجزیه‌طلبی و تحریک اقوام جنوبی ایران، از دیگر راهبردهای این شبکه بوده است.

همچنین در ادامه می‌توان به شبکه ماهواره‌ای العربیه عربستان سعودی اشاره نمود که به‌طور خاص با دو برنامه، سعی در تخریب وجهه بین‌المللی ایران و ایران‌هراسی دارد. این شبکه برنامه‌ای را تحت عنوان «ایران من الداخل: ایران از درون» پخش می‌کند که تلاش دارد ایران را به‌عنوان کشوری پر از بزهکاری و مشکل نشان دهد. مستندات محتوای این برنامه، گزارش‌های سازمان‌های حقوق بشری غربی در مورد مسائلی مانند وضعیت رسانه‌ها در ایران و محدودیت‌های آنها، کودکان کار، دختران و زنان خیابانی و اوضاع سیاسی در ایران است. المریا یکی دیگر از برنامه‌های العربیه است که در آن به‌طور سازمان یافته و مداوم به شخصیت‌های نظام جمهوری اسلامی و علما و مراجع تشیع حمله و توهین می‌شود. به‌طور کلی می‌توان دال‌های مرکزی گفتمان العربیه را به این شرح دانست: نفی تأثیرپذیری قیام‌های کشورهای عربی از انقلاب اسلامی ایران و معرفی بیداری اسلامی به‌عنوان توهم ایران، متهم کردن ایران به اتخاذ راهبرد فتنه مذهبی برای تضعیف دولت‌های عربی، شبیه‌سازی جمهوری اسلامی با نظام‌های دیکتاتوری ساقط شده منطقه، تحریک مخالفان برای انقلاب علیه جمهوری اسلامی ایران با الگوگیری از بهار عربی، ضرورت اتحاد دولت‌های عربی در برابر خطر ایران، شیعه‌هراسی، برجسته‌سازی الگوی حکومت‌داری ترکیه و منفور سازی الگوی حکومت‌داری ایران؛ ایران‌هراسی با دال‌های شناور سلطه‌جویی در منطقه، حمایت از تروریسم، مانع برقراری صلح و امنیت، تبعیض علیه اقلیت‌ها، تسلیحات هسته‌ای، نقض حقوق بشر توسط حکومت ایران، سپاه‌هراسی و اعتبار زدایی از بیانات مقامات جمهوری اسلامی ایران.

۲-۱-۳- فیلم‌های هالیوودی در راستای ایران‌هراسی

زیبگنیو برژینسکی^۱ به الگوی اصلی ژئوپلیتیک در فرهنگ آمریکا اذعان کرده و می‌گوید حملات سینمایی هالیوود به کشورهای دیگر ابعادی صرفاً سیاسی دارد و روزه‌روز شباهتش



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های بای جهان اسلام

۱۹۴

سال پنجم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۴

1. Zbigniew Brzezinski

به نوعی جنگ واقعی شبیه تر می شود. هم ارتش و هم سیاستمداران آمریکا در این صنعت که نقاط مختلف کره زمین را تحت تأثیر قرار می دهد، حضور چشم گیری دارند. آنچه بیش از فیلم های هالیوودی اهمیت دارد و به سراسر دنیا صادر شده است، «فرهنگ هالیوود» است. رادنی مارتین^۱ کارمند سابق کنگره آمریکا درباره تأثیرات فرهنگ هالیوود روی مردم آمریکا می گوید: «اگر مردم آمریکا از همه تعاملات، معاملات و داد و ستدهایی اطلاع داشتند که به نام آن ها در «زیرزمین چانه زنی سیا» انجام گرفته و می گیرد تا اهداف و سیاست های این سازمان پیش برود، شوکه می شدند.

در این میان می توان به چند فیلم آمریکایی به عنوان نمونه اشاره کرد. فیلم «روبوکاپ»^۲ یا «پلیس آهنی» محصول سال ۲۰۱۴، اوج نمایش پروپاگاندای آمریکایی علیه ایران است. این فیلم که داستان آن در سال ۲۰۲۸ اتفاق می افتد، با این صحنه آغاز می شود که واشنگتن با کمک پلیس های آهنی تمام تهران را اشغال کرده است. در این فیلم، دولت ایران سرنگون شده است و تمامی نیروهای نظامی خلع سلاح شده اند. پلیس های آهنی مردم تسلیم شده را به دلیل احتمال داشتن سلاح اتمی، بازرسی و اسکن می کنند. نویسندگان فیلم می خواسته اند نشان دهند که جنگ های آینده آمریکا، با استفاده از روبات خواهد بود، اما وقتی می خواهند مکانی برای این جنگ ها در نظر بگیرند، ایران را انتخاب کرده اند. عملیات آزادی تهران وقتی با مشکل مواجه می شود که مردم ایران دست به حمله انتحاری علیه روبات ها می زنند.

همچنین داستان فیلم «تبدیل شوندگان ۳: سیاهی ماه»^۳ هم درباره تلاش برخی روبات ها برای تسلط بردنی ای انسان هاست. این روبات های هوشمند، در راستای سیاست خارجی آمریکا، یکی از تأسیسات هسته ای خاورمیانه را منفجر می کنند. با توجه به محتوای، این تأسیسات، سایت هسته ای نطنز در ایران است. در این فیلم، مدام از لفظ غیرقانونی، برای تأسیسات هسته ای ایران استفاده شده است. از اواخر دهه ۹۰ میلادی تا به امروز، ایران هراسی بر اساس این تصور که ایران در آستانه دستیابی به سلاح های هسته ای است و می خواهد با این سلاح ها به اسرائیل یا غرب حمله کند و رقابت بی سابقه تسلیحات هسته ای در خاورمیانه به راه بیندازد، گسترش شدیدی در رسانه های آمریکایی و محافل سیاسی این کشور داشته است.

1. Rodney Martin
2. RoboCop
3. Transformers 3 : Dark of the Moon

در همین راستا می‌توان به فیلم «مصلح»^۱ اشاره کرد که در آن قطاری حامل سلاح‌های هسته‌ای در مناطق دورافتاده روسیه با یک قطار مسافربری تصادف می‌کند. مقامات آمریکایی به سرعت تشکیل جلسه می‌دهند تا سرنوشت مواد هسته‌ای را مشخص کنند. سازمان‌های اطلاعات نیروهای ویژه ارتش آمریکا اعتقاد دارند که حادثه صرفاً پوششی است برای عملیات دیگری که طی آن سودجویان، تلاش دارند سلاح‌های هسته‌ای به «کشورهای یاغی»^۲ بفروشند. در ادامه مشخص می‌شود که برخی شخصیت‌های فیلم که به زبان روسی صحبت می‌کنند، محموله سلاح‌ها را در اختیار دارند و عازم مرزهای ایران شده‌اند (سایت خبری-تحلیلی مشرق، ۲۷ فروردین ۱۳۹۴).

۲-۱-۴- نقش نومحافظه کاران به‌عنوان کارگزاران سیاسی در هژمونیک شدن اسلام هراسی در غرب

یکی از تأثیرگذارترین جریانات سیاسی در گسترش ایران هراسی در جهان غرب جریان نومحافظه کاران آمریکایی^۳ و اروپایی می‌باشد، این جریانات در کنار یکدیگر توانستند بعد از به قدرت رسیدن جرج بوش و حوادث یازدهم سپتامبر نقش مهمی در زمینه هژمونیک شدن اسلام هراسی ایفا کنند. نومحافظه کاران که از آن‌ها به‌عنوان گروه بازها یا عقاب‌ها در آمریکا نام برده می‌شود، معتقدند دنیا دو راه بیشتر ندارد یا زیر سلطه کامل آمریکا قرار خواهد گرفت و یا دچار هرج و مرج و آشوب خواهد شد. ارزش‌های جهانی در نظر این گروه همان منافع آمریکا است و باید برای حفظ این منافع از آن ارزش‌ها دفاع کرد. درواقع آنان به دنبال یک «هژمون جهانی خوش نیت»^۴ و یک «امپراطوری آمریکایی»^۵ هستند. ویلیام کوهن^۶ برای نخستین بار پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، عبارت جنگ جهانی چهارم را به‌عنوان جنگ آمریکا و متحدان آن با اسلام به کار برد. مایکل لدین از نظریه‌پردازان نومحافظه کار آمریکا الگوی



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های بای جهان اسلام

۱۹۶

سال پنجم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۴

1. Peacemaker
2. Rogue states
3. US neoconservatives
4. Benevolent global hegemony
5. American Empire
6. William Cohen

تخریب سازنده^۱ را برای مقابله جهان غرب با گروه‌های اسلام‌گرا ارائه داده است. وی این الگو را به‌عنوان تئوری کارآمد در جهت صدور انقلاب دموکراتیک به کشورهای اسلامی می‌داند تا بر اساس آن ساخت اجتماعی، فرهنگی و هنجارهای جهان اسلام را تخریب نموده و به‌صورت تدریجی شکل جدیدی از هنجارها را به وجود آورد. (متقی، ۱۳۸۷: ۱۸۲) دانیل پاییز^۲ نیز بر اساس همین الگو معتقد به تغییر قالب‌ها و قواعد ایدئولوژیک در جهان اسلام می‌باشد و نه تنها به مهار اسلام‌گرایان اکتفا نمی‌کند بلکه خواهان جنگ با اسلام‌گرایان و آزاد سازی جهان از لوث وجود اسلام‌گرایان می‌باشد. (Pipes, 1994: 63)

از نظر آنان چانه‌زنی با تروریست‌های اسلام‌گرا و کشورهای یاغی^۳، ناکارآمد بوده و استراتژی بازدارندگی، در برابر آن‌ها بی‌معنی است. لذا بهترین شیوه، اقدام غافلگیرانه و پیش‌دستانه^۴ است. نومحافظه‌کاران آمریکا، ایران را کانون تولید و رواج شر دانسته و الگوی جهان اسلام را ترکیه معرفی می‌کنند. بر این اساس وجود اسرائیل را برای مهار کشورهای اسلامی ضروری می‌دانند و خواهان مقابله با تبدیل شدن ایران به قدرت برتر منطقه‌ای هستند. نگرش نومحافظه‌کاران نسبت به اسلام به اعتقاد این گروه، دموکراسی آمریکایی که معادل خیرمطلق محسوب می‌شود همیشه در معرض آسیب و حمله است. زمانی اتحاد جماهیر شوروی، دشمن این خیر محسوب می‌شد و امروز، اسلام بنیادگرا ممکن است اساس این خیر را مورد تهدید قرار دهد. ویلیام کوه از محافظه‌کارانی است که در حوزه راهبردهای نظامی کارشناس شناخته‌شده‌ای است، وی برای نخستین بار پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، عبارت جنگ جهانی چهارم^۵ را به کار برد. به نظر وی جنگ جهانی سوم، همان جنگ سرد است که با پیروزی آمریکا پایان یافت و جنگ جهانی چهارم، جنگ آمریکا و متحدان آن با اسلام است. این جنگ که همان جنگ ادیان است، درواقع دورنمایی هانتینگتونی از فردای جهان را تصویر می‌کند. در نظر افرادی همچون وولسی رئیس اسبق سازمان سیا نیز جنگ جهانی چهارم با جنگ عراق شروع شده و تسخیر بغداد، آغازی بر این سلسله درگیری‌ها در جنگ جهانی چهارم است. به اعتقاد وی در این جنگ، برخی نظام‌های عربی را باید در منطقه خشکانید تا

1. Creative destruction
2. Daniel Pipes
3. Rogue states
4. Unexpectedly and pre-emption
5. World War IV



اسلام نتواند در آن‌ها مجال رشد و نمود بیابد. در این میان، عراق نه بدترین نظام بوده و نه بیشترین حمایت را از تروریسم به عمل آورده است، فقط عراق ساده‌ترین هدف در این میان بود. به همین دلیل از دیدگاه کاران در جنگ جهانی چهارم در بالاترین نقطه فهرست اهداف آنان قرار گرفت. کشورهای غربی بر این باورند که با توجه به تهدیدهای جدید و تغییر و تحول درونی نیروهای اسلام‌گرا باید جهان غرب نیز روش‌ها و فرآیندهای جدیدی برای محدود سازی و ناکارآمد کردن آن‌ها انجام دهند.

بدین ترتیب استراتژی تخریب سازنده توسط استراتژیست‌های آمریکایی در عملیات نظامی علیه عراق مورد استفاده قرار گرفت. آن‌ها صریحاً اعلام کردند که عملیات نظامی آمریکا صرفاً به دنبال متلاشی ساختن نظام سیاسی عراق نیست بلکه این اقدام می‌بایست دگرگونی‌های بنیادینی در کشورهای خاورمیانه ایجاد کند. رابرت کاپلان^۱ بعد از عملیات آمریکا در عراق به‌کارگیری این استراتژی را عامل بقای جهان غرب در برابر تهدیدهای جهان اسلام معرفی کرد و در این باره این‌گونه می‌نویسد که تخریب سازنده ضرورت رفتاری جهان غرب در برخورد با تهدیدات می‌باشد. ما هر روز باید خود را بازسازی کنیم، نظم قدیمی را فرو پاشیم و ادبیات و هنر و معماری و سیاست را بر اساس قالب‌های جدید شکل دهیم. دشمنان از اینکه ما خود را بازسازی کنیم، نفرت دارند ما سنت‌ها و ساخت‌های مرسوم را تخریب می‌کنیم و آنان را به خطر می‌اندازیم به همین دلیل آن‌ها از ما وحشت دارند چرا که نمی‌خواهند این سنت‌ها دگرگون شوند. بنابراین وجود ما آن‌ها را به مخاطره می‌اندازد. آن‌ها به ما حمله می‌کنند از ما نفرت دارند و تلاش می‌کنند تا از طریق نفرت بقای خود را حفظ نمایند. ما [کشورهای غربی] باید آن‌ها [کشورهای جهان اسلام] را نابود کنیم تا به وظیفه تاریخی خود عمل کرده باشیم. صرفاً از طریق نابودی آن‌ها می‌توانیم شکل جدیدی از روابط را ایجاد کنیم. (Kaplan, 2003:85)

از دید کشورهای غربی تنها عامل ماندگاری رهبران جهان اسلام بر اریکه قدرت استفاده از خشونت و زورگویی است و اصلی‌ترین ابزار آنان در ادامه جامعه دستگاه‌های اطلاعاتی و پلیسی است که صدای هر اعتراضی را در نطفه خفه می‌کند. (متقی، ۱۳۸۷: ۱۸۶) از دیدگاه نظریه‌پردازان نو محافظه‌کار، گروه‌های اسلام‌گرا به دلیل اینکه از هنجارهای جدید و نوظهوری

1. Robert Kaplan

حمایت می‌کنند که دارای کارکردی ضد ارزش‌ها و هنجارهای غربی می‌باشد. هویت جدید گروه‌های اسلام‌گرا در برابر هنجارهای غربی به دغدغه اصلی این نظریه‌پردازان تبدیل شده است. جمیسون در مقاله اسلام و تروریسم با تکیه بر جدال میان غرب و اسلام‌گرایان اذعان می‌کند که با وقوع حادثه یازدهم سپتامبر گروهی از افراطیون آمریکایی که در پی فرصتی برای عقده‌گشایی بر علیه جهان اسلام بودند تهاجم تبلیغاتی گسترده‌ای علیه مسلمانان و کشورهای اسلامی به راه انداختند. گویی از مسلمانان چیزی جز دهشت آفرینی، مخالفت با آزادی و دموکراسی و بنیادگرایی چیزی بیرون نمی‌آید (Jamieson, 1993:91).

۲-۱-۵- نقش تئوری‌های متفکران به‌عنوان کارگزاران در گسترش اسلام‌هراسی

یکی از فاکتورهای اساسی در ایجاد و گسترش هژمونی اسلام‌هراسی در جهان غرب تئوری‌هایی است که با دیدگاهی منفی توسط متفکران و روشنفکران مختلف درباره منشأ، ماهیت، علل و پیامدهای جنبش‌های اسلام‌گرایی در سطح جهان مطرح گردیده است. به‌عنوان مثال تعداد زیادی از نویسندگان غربی و مسلمان با نگاهی کاملاً منفی بر این ادعا پافشاری می‌کنند که موج بازخیزی اسلام را از ویژگی‌های ذاتی اسلام نبوده و جنبش‌های اسلام‌گرا حرکت و اقدامی انفعالی نسبت به تغییرات بیرونی و فشارهای محیطی می‌باشد. به‌عنوان مثال اکثر متفکران غربی تحت چنین مفاهیمی اسلام‌گرایی را مورد بررسی قرار می‌دهند: «واکنش به فرایند جهانی‌شدن»^۱ در اندیشه گیدنز^۲ (گیدنز، ۱۳۸۲: ۵) و هی وود^۳ (هی وود، ۱۳۷۹: ۵۲۵)؛ «محصول سرخوردگی کشورهای اسلامی از رفتار تمدن غرب» در اندیشه ژاک برک^۴ (شریعتی، ۱۳۸۱: ۷)؛ محصول بحران‌هایی از قبیل «بحران هویت» در اندیشه رضوان سید(السید، ۱۳۸۵: ۱۴۵) و مانوئل کاستلز^۵ (کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۴-۲۶)؛ «بحران نوسازی» در اندیشه جف هیس^۶، گراهام فولر^۷ اتینه و توزی، ساهلیه و میلز(فولر، ۱۳۸۴: ۵۶)؛ «بحران،

1. globalization
2. Anthony Giddens
3. Andrew Heywood
4. Jacques Augustin Berque
5. Manuel Castells
6. Jeffrey Haynes
7. Graham E. Fuller



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

۱۹۹

هژمونی» در اندیشه بابی سعید، «بحران ترکیبی» در اندیشه برهان غلیون^۱ و هرایر دکمجیان^۲ (دکمجیان، ۱۳۷۷: ۵۵-۶۰)؛ «محصول نیروهای سنتی و ارتجاعی» در اندیشه الویه روآ^۳ (روآ، ۱۳۷۸: ۳۵-۵۹)، ژیل کیل (مرادی، ۱۳۸۴: ۲۶) و هشام شرابی (شرابی، ۱۳۸۰: ۲۴۱)؛ فرزند نامشروع نوگرایی در اندیشه بیهخو پارخ (هی وود، ۱۳۸۷: ۴۹۸). بنابراین واضح است که این نوع تئوری پردازیهای منفی گرایانه تا اندازه می تواند زمینه مساعدی برای مقبولیت و اعتبار گفتمان اسلام هراسی ایفا کند.

۲-۱-۶- قابلیت دسترسی^۴ و قابلیت اعتبار^۵:

یکی دیگر از عوامل هژمونیک شدن گفتمان از دیدگاه لاکلائو و موفه دو مفهوم قابلیت دسترسی و اعتبار می باشد. قابلیت دسترسی یعنی در دسترس بودن در زمینه و موقعیتی که هیچ گفتمان دیگری خود را به عنوان جایگزین واقعی هژمونیک نشان نداده است؛ بنابراین صرف در دسترس بودن می تواند پیروزی یک گفتمان خاص را تضمین کند؛ و آن را به افق تصویری جامعه تبدیل نماید. (بابی سعید، ۱۳۷۹: ۸۷). درواقع روابط استراتژیک و راهبردی قدرت های بزرگ غربی بابا کشورهای عربی و به ویژه عربستان به گونه ای به هم نزدیک شده است که تضعیف قدرت ایران تبدیل به محدود نقطه مشترک میان این کشورها گردیده است. دولت ایالات متحده به شدت به دنبال گسترش مقبولیت ایران هراسی در منطقه بوده تا از این طریق امنیت انرژی خود را تأمین کرده و همچنین قدرت منطقه ای فزاینده ایران را با قدرت منطقه ای عربستان مهار کند. به همین دلیل، عربستان وارد جنگ نیابتی با ایران در یمن، سوریه، لبنان و بحرین شده است (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۹۳: ۸۹-۹۴).

عربستان به عنوان متحد سنتی و راهبردی آمریکا در خاورمیانه به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به گونه ای منافع خود را با آمریکا همسو نموده است که بتواند کفه موازنه منطقه ای را به نفع خود تغییر دهد و متحدان منطقه ای ایران یعنی عراق، سوریه و یمن را تضعیف کند (صادقی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۱۵)؛ بنابراین با توجه به روند رو به رشد واگرایی

1. Burhan Ghalioun

2. HRAIR DEKMEJIAN RICHARD

3. livier Roy

4. availability

5. credibility

میان ایران و کشورهای عربی، عدم پیوستگی متقابل و مکمل اقتصادی میان ایران و اعراب، سابقه تاریخی و نژادی تضاد ایرانیان و اعراب و از همه مهم‌تر دخالت‌های فرا منطقه‌ای منجر به گسترش تخصیصات و ستیزه‌ها میان کشورهای منطقه به رهبری ایران و عربستان گردیده است (میرزایی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۶۱-۱۶۲). درواقع گفتمان ایران هراسی در میان کشورهای عربی اهل سنت از مقبولیت بالایی برخوردار است و به‌شدت با توجه به مبانی فکری متفاوت و اختلافات تاریخی در دسترس می‌باشد و به هیچ عنوان گفتمان ناموجه و نامقبول نیست. مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که می‌توان در راستای هژمونیک شدن ایران هراسی به آن اشاره کرد به شرح زیر است:

الف) گفتمان اسلام انقلابی در برابر گفتمان اسلام سلفی

گفتمان اسلام انقلابی با مرزبندی جدید بین مستضعفان و مستکبران، جبهه‌ای جدید در جهان و منطقه‌ای خاورمیانه گشود و موجب خیزش دوباره‌ی ملت‌های مستقل و نقش‌آفرینی آن‌ها در عرصه‌ی روابط بین‌الملل شد. اسلام انقلابی خواستار تغییرات و دگرگونی‌های بنیادی و عمیقی در فرهنگ و اقتصاد و سیاست جامعه است. (موثقی ۱۳۷۴: ۱۶۴). در مقابل گفتمان اسلام انقلابی، گفتمان اسلام‌گرایی سلفی قرار دارد. اساس و پایه این گفتمان بنیادگرایی و ضدیت با تمدن جدید است. محتوای ایدئولوژیک گفتمان سلفی نابهنگام و متعلق به گذشته است و به همین دلیل نمی‌تواند در شرایط کنونی برای جوامع اسلامی و مسلمانان باز تولید گفتمانی انجام دهد. امروز در سایه تعریف آشفته‌ای که از مفهوم اهل سنت ارائه می‌شود، جریان سلفی با مصادره نابجای واژه‌ی «سلف»، حتی مفهوم «اهل سنت» را عمدتاً در تقابل با «شیعیان» به کار می‌برد. (جهانبین و پرتو، ۱۳۹۱: ۱۳۴)

ب) گفتمان مقاومت در برابر گفتمان سازش

یکی از گفتمان‌هایی که ایران تاحدی آن را جا انداخته و مورد توجه و پسند اکثر ملل و مردم منطقه قرار داده و منافع و امنیت خویش را در راستای آن در نظر گرفته است، گفتمان مقاومت است. گفتمان مقاومت ریشه در نظریه‌ها و اندیشه‌های «امام خمینی» دارد. ایشان بر وحدت جهان اسلام و دوری از تفرقه و ایجاد «امت واحد» در برابر جهان کفر و شرک

و دشمنان جهان اسلام تأکید داشتند. البته مبنا و اساس آرای امام خمینی اندیشه‌ی شیعی و اصول اساسی این مکتب بود؛ اما در مقابل گفتمان سازش از ائتلاف عربستان و کشورهای حاشیه‌ی جنوبی خلیج فارس، همراه با آمریکا و اسرائیل و به‌منظور مقابله با گفتمان مقاومت در منطقه شکل گرفته است. (درخشه، ۱۳۸۴: ۲۹۱)

ج) نظم منطقه‌ای موردنظر ایران و عربستان

ایران در برداشت و تعریف از نظم منطقه‌ای موردنظر خود در خاورمیانه، ملاحظات مختلف ایدئولوژیک، سیاسی، امنیتی و منفعتی دارد که مؤلفه‌ها و متغیرهای فراوانی را در برمی‌گیرد. در این خصوص می‌توان به سند چشم‌انداز بیست‌ساله، جاده ابریشم جدید، عنصر شیعه، هژمونی منطقه‌ای، نظام امنیتی منطقه، قدرت منطقه‌ای، تهدیدات بالقوه متوجه ایران، موقعیت‌ها و مزیت‌های بین‌المللی ایران، از سوی رهبران اشاره کرد. «نظم انقلابی» روایتی است که ایران با توجه به بنیادهای ایدئولوژیک خود در پی هژمونی آن در منطقه است. گرایش انقلابی به پیشگامی جمهوری اسلامی تمایل خواهد داشت که در فضای جدید، نظم و امنیت منطقه‌ای از طریق «مدیریت دسته‌جمعی چندجانبه» برقرار شود. در این الگو برقراری نظم منطقه‌ای صرفاً حق ویژه و امتیاز کشورهای بزرگ و عمده نخواهد بود (صالحی، ۱۳۹۱: ۸۹). بر اساس نظم اسلام‌گرایی انقلابی، استبداد داخلی و سلطه‌ی خارجی مسلمانان کشورهای خاورمیانه را در طول چند دهه چنان تحقیر کرد که برای بازیابی هویت دینی خود در مسیر سه دهه پیش انقلاب ایران قدم گذاشته‌اند. تجربه‌ی حکومت دینی در ایران سبب شده که انقلاب ایران الهام‌بخش حرکت‌های آزادی‌خواهانه و رهایی‌جویانه در جهان باشد (مرشدی، ۱۳۹۱: ۲۱)

رویکرد اصلی عربستان سعودی در خصوص تحولات منطقه‌ای سیاست حفظ وضع موجود است. هدف از این سیاست متعادل کردن پدیده‌های تندرو انقلابی و جلوگیری از سرایت آن‌ها به این کشور می‌باشد. این کشور در همراهی با آمریکا و اسرائیل، در صدد ایجاد یک نظام منطقه‌ای جدید با رویکرد محاصره‌ی ایران و مقاومت و خواهان کاهش نقش منطقه‌ای ایران است و این از تفاوت رویکردهای دو کشور در نظم منطقه‌ای ناشی می‌شود. مهم‌ترین نمونه‌ی عینی حفظ نظم و محافظه‌کاری سعودی، قالب ترجمانی سلفی تحولات سوریه و مواضع عربستان است. آل سعود احساس می‌کند که روزه‌روز موقعیت خود را در



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های بای جهان اسلام

۲۰۲

سال پنجم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۴

دنایای اسلام بیش‌تر از دست می‌دهد و در عوض بر قدرت منطقه‌ای ایران افزوده می‌شود.

درواقع اقدامات عربستان در سوریه، یمن، بحرین، لبنان و عراق برای ایجاد موازنه‌ای میان نظم جدید و قدیم خاورمیانه و مهار نظم تجدیدنظرطلبانه‌ی ایران است؛ زیرا عربستان همواره خواهان نهادینه شدن نظم سلفی در خاورمیانه و حتی جهان اسلام با مرکزیت خود بوده است. نظم سلفی موردنظر آل‌سعود در پی نوعی بازگشت‌گرایی و احیای مناسبات پیشین امنیتی در خاورمیانه و در رأس آن‌ها قدرت برتر عربستان در منطقه است و تلاش می‌کند این نظم را از طریق الگوی موازنه‌ی قدرت، با کاربرد «قدرت برای مهار قدرت» و یا بسترسازی برای دخالت بیش‌تر قدرت‌های فرا منطقه‌ای، به‌ویژه ایالات متحده، تکوین بخشد. نظم سلفی موردنظر عربستان که بر پایه‌ی آموزه‌های وهابیت و مرجعیت فکری - سیاسی آن بنا شده، خواهان دخالت قدرت‌های خارجی در منطقه است. هدف این سلطه‌پذیری و بسترسازی برای تسهیل دخالت خارجی ایجاد موازنه در برابر نظم انقلابی ایران و مهار آن از یک‌سو و سرکوب مطالب نوگرایانه و رهایی‌جویانه‌ی کشورهای عربی از سوی دیگر است. و تلاش می‌کند که نظم امنیتی منطقه‌ای را با نظم امنیتی جهانی پیوند زند و در چارچوب منافع غرب و متحد منطقه‌ای آن، یعنی رژیم صهیونیستی قرار دهد (صالحی، ۹۵-۱۳۹۱).

د) تضاد خط‌مشی ایدئولوژیکی ایران و عربستان

از زمان پیروزی انقلاب اسلامی خط‌مشی ایدئولوژیکی ایران به‌طور مشخص توسط رهبران عالی انقلاب در دستور کار قرار گرفت و انقلاب ایران انقلاب اسلامی معرفی شد. زیرا این انقلاب بر اساس ایدئولوژی اسلام شکل گرفت و توسط رهبران ایدئولوژیک روحانی و غیرروحانی هدایت شد. از دیگر وجوه ایدئولوژیکی انقلاب ایران، آرمان‌گرایی است. آرمان‌گرایی در انقلاب ایران به دو دلیل نیرومندتر از سایر انقلاب‌هاست: یکی تأثیر عرفان اسلامی و خصلت‌های آرمان‌گرایانه‌ی تفکر سیاسی و اجتماعی در ایران در طول دو سده‌ی گذشته زیرا با اصولی که عرفان ایرانی ارائه می‌کند، فرد می‌تواند به انسان کامل تبدیل شود. دوم این‌که آرمان‌گرایی با تاریخ اندیشه‌ی سیاسی و اجتماعی در ایران در طول دو سده‌ی گذشته ارتباط مستقیم دارد این تفکر واکنش مستقیمی بوده است به موج فزونی‌خواه و پر قدرت نوگرایی، مدرنیسم و فرهنگ غربی. ایران نخستین انقلاب سیاسی اسلامی را به



جهان عرضه کرد. انقلابی که به نام اسلام و با شعار «الله اکبر» بر مبنای ایدئولوژی و نمادگرایی شیعه و رهبری روحانیت و غیر روحانیت اسلام‌گرا استوار بود. علاوه بر این امام خمینی تجربه‌ی ایران را راهنمایی برای تغییر سیاسی و ایدئولوژیکی امت اسلام می‌دانست. برنامه‌ی او متحد کردن تمام مسلمانان در نبردی سیاسی و فرهنگی علیه شرق و غرب بود. با پیروزی در این نبرد ایران آماده بود که اصول خود را به جهان خارج تبلیغ مصادر کند (اسپوزیتو ۱۳۸۶: ۴۹۱).

بر این اساس اگر ما صدور انقلاب را یکی از مؤلفه‌های اصلی مؤثر در شکل‌گیری خط‌مشی ایدئولوژیکی ایران فرض کنیم، می‌توانیم متغیرهایی را که در تبیین این فرآیند نقش اساسی دارند، برشماریم. یکی از این متغیرها سیاست جمهوری اسلامی به عنوان «ام‌القرای» جهان اسلام و جهان تشیع است. این عامل در چارچوب گفتمان ارزش محور آرمان‌گرای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قابل ارائه است. بر مبنای این گفتمان سیاست خارجی باید بر اساس آموزه‌ها و موازین اسلامی و تحقق آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی تنظیم گردد. در این گفتمان برداشت تصمیم‌گیرندگان و مجریان سیاست خارجی تماماً ایدئولوژیک است. رویکرد ارزش‌محور بر اصول سنتی و انتزاعی و ارزش‌های انقلابی مبتنی است و دایره و حیطه‌ی آن فراتر از منافع ملی است. در این رهیافت سیاست تماس با ملت‌ها به جای دولت‌ها در نظر گرفته می‌شود؛ به عبارت دیگر گفتمان ارزش‌محور بر تأمین اهداف فراملی در زمینه‌های نفوذ سیاسی، وحدت ایدئولوژیک و تشکیل حوزه‌ی نفوذ در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی تأکید دارد (ازغندی، ۱۳۸۶: ۱۲).

نظام سیاسی عربستان سعودی مبتنی بر آیین وهابیت است و این مذهب مهم‌ترین عامل تأثیرگذاری داخلی در تشکیلات و تداوم دولت سعودی و مهم‌ترین مؤلفه‌ی هویتی دولت عربستان سعودی است؛ بنابراین عواملی که در شکل‌گیری هویت ایدئولوژیکی دولت سعودی نقش اساسی دارند، مواضع فکری و اعتقادی وهابیت است. مبارزه با شرک و خرافات و بازگشت به اسلام سلف و سلف صالح، مخالفت با عقل و فلسفه، اجتهاد، تفسیر قرآن، تصوف و عرفان و هرگونه نوآوری با عنوان بدعت، مسئله‌ی وحدت و خلافت دینی عربی و ضدیت با ترکان عثمانی و دشمنی با شیعیان، از جمله‌ی این مواضع فکری و اعتقادی است. تعیین خط‌مشی ایدئولوژیکی عربستان در حال حاضر رنگ و بوی سیاسی‌تری به خود گرفته است.



رهبری جهان اسلام و جهان عرب و جهان اهل تسنن، اسلام بنیادگرا، وهابی گری، سلفی گری، اسلام متجدد و سکولار، اندیشه‌ی سیاسی اهل سنت، محافظه‌کاری، قومیت‌گرایی عربی، وجوه تازه‌ی خط‌مشی ایدئولوژیکی عربستان سعودی را تشکیل می‌دهند. این عوامل عربستان سعودی را از یک کشور با نظام سیاسی - ایدئولوژیکی وهابی محافظه‌کار، به یک‌شور با نظام سیاسی ایدئولوژیکی سلفی عمل‌گرا تبدیل کرده است و باعث شده که این نظام تمامی اعمال و رفتارهای خود را به منظور برقراری نظم منطقه‌ای موردنظر خویش، با رنگ و بوی هویتی و ایدئولوژیکی تنظیم و ارائه نماید (موثقی، ۱۳۷۴: ۱۶۰-۱۷۵).



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association

جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های پایه‌ی جهان اسلام

نتیجه گیری

به نظر می‌رسد استفاده از روش گفتمان لاکلائو و موفه در این تحقیق کمک زیادی نموده است تا نشان دهیم که چرا و چگونه علی‌رغم اشتراکات بسیار زیاد میان مسلمانان به جای گسترش همگرایی میان ایران و کشورهای عربی، هر روز شاهد واگرایی بیشتر و گرایش به خصومت و تهدید بین کشورهای منطقه می‌باشیم. روش گفتمانی نشان می‌دهد که هیچ خصومت و جنگی ذاتی و ناشی از قوانین غیر قابل تاریخ نیست، بلکه برساخته شرایط و نیروهای سیاسی می‌باشد؛ بنابراین در موضوع هژمونیک شدن شیعه هراسی و ایران هراسی در منطقه خاورمیانه به شدت متأثر از گفتمانی است که جریان‌های سیاسی منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای ایجاد نموده‌اند. علی‌رغم سابقه خصومت‌آمیز اعراب و ایرانیان در طول تاریخ، اما امروزه به نظر می‌رسد کارگزاران سیاسی همانند عربستان، یهودیان صهیونیست، کاران و راست‌گرایان مسیحی نقش بسیار مهمی در گسترش ایران هراسی و شیعه هراسی ایفا می‌کنند. در این زمینه نقش یهودیان صهیونیست بسیار مهم می‌باشد زیرا هرچه قدر بین شیعه و سنی در جهان اسلام اختلاف و جنگ وجود داشته باشد، امنیت اسرائیل بیشتر و بهتر تأمین خواهد شد. از طرف دیگر اگرچه نقش رسانه‌های دیداری و شنیداری و فضای مجازی در گسترش مقبولیت و اعتبار این گفتمان بسیار مؤثر است، اما نباید از نقش عربستان در این زمینه غافل شد زیرا عربستان برای حفظ هویت ایدئولوژیکی خود به شدت به دنبال تغییر موازنه قوا در منطقه به سود خود می‌باشد؛ بنابراین دخالت‌های عربستان در سوریه، یمن و عراق دقیقاً در راستای هراس از گسترش نفوذ ایران در منطقه صورت می‌پذیرد؛ بنابراین دامن زدن به مباحث ایران هراسی در منطقه به شدت به نفع آمریکا، اسرائیل و عربستان می‌باشد و سیاستمداران و فعالان سیاسی ایرانی باید با کاهش سطح تنشها میان خود و کشورهای عربی نگذارند امنیت اسرائیل بیشتر و بیشتر تأمین شود.



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association

جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی-پژوهشی

پژوهش‌های بای جهان اسلام

۲۰۶

سال پنجم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۴

منابع فارسی

- ابوالحسن شیرازی، حبیب‌اله، (۱۳۹۴). «میزان‌سنجی تاثیر عنصر رقابت بر جنگ‌های نیابتی ایران و عربستان»، فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س ۵، ش ۱، بهار، صص ۱۰۲-۷۷.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۶). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات قومس.
- اسپوزیتو، جان ال (۱۳۸۶). انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ترجمه محسن مدیرشانه چی، تهران: انتشارات باز.
- بشیر، حسن و کرم فر، علی‌اصغر (۱۳۹۳). «بازنمایی رسانه‌ای بحران سوریه در وب‌سایت‌های بی.بی.سی. عربی، العربیه و العالم»، فصلنامه انقلاب اسلامی، سال یازده، شماره ۳۸، صص ۱۰۵-۱۲۲.
- بشیریه، حسین، (۱۳۸۲). جامعه‌شناسی سیاسی، تهران: نشر نی.
- جهان‌بین، فرزاد؛ پرتو، فتح‌الله (۱۳۹۱). «راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال جنبش بیداری اسلامی اخیر»، فصلنامه پژوهشنامه‌ی انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۳، صص ۱۱۷-۱۴۳.
- حسینی زاده، محمدعلی (۱۳۸۷). اسلام سیاسی در ایران، قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- خواجeh سروری، غلامرضا، بهرامی، سمیه، (۱۳۹۳). «تحلیل روابط ایران و عراق بر اساس گفتمان ایران‌هراسی»، فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س ۴، ش ۴، زمستان، صص ۱۰۶-۸۳.
- درخشه، جلال، (۱۳۸۴). گفتمان سیاسی شیعه در ایران معاصر، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- دکمجیان، هرایر (۱۳۷۷). اسلام در انقلاب، جنبش‌های اسلامی در جهان عرب، ترجمه: حمید احمدی، تهران: انتشارات کیهان.
- روآ، الویه، (۱۳۷۸). تجربه اسلام سیاسی، ترجمه محسن مدیرشانه‌چی و حسین مطیع‌امین، تهران: انتشارات الهدی.
- سعید، بابی، (۱۳۷۹). هراس بنیادین: اروپا مداری و ظهور اسلامگرایی، ترجمه غلامرضا جمشیدی‌ها و موسی عنبری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- السید، رضوان، (۱۳۸۳). اسلام سیاسی معاصر در کشاکش هویت و تجدید، ترجمه مجید مرادی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- شرابی، هشام، (۱۳۸۰). پدربالاری جدید، ترجمه سید احمد موثقی، تهران، نشر کویر.
- شریعتی، سارا (۱۳۸۱). بنیادگرایی روایتی معقول از چپ اسلامی، روزنامه ایران، بیست ششم مرداد.
- صادقی، شمس‌الدین، کاظمی، اخوان، لطفی، کامران (۱۳۹۴). «بحران سوریه و مناقشه ژئوپولیتیک قدرت‌های منطقه‌ای»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال چهارم، شماره ۱۶، صص ۱۰۷-۱۲۸.
- صالحی، حمید (۱۳۹۱). «بیداری اسلامی، تکوین نظم نوین منطقه‌ای خاورمیانه»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال پانزدهم، شماره ۱، صص ۷۹-۱۰۲.
- فولر، گراهام، (۱۳۸۴). احساس محاصره، ژئوپلیتیک اسلام و غرب، ترجمه علیرضا فرشچی و علی‌اکبر کرمی، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دوره عالی جنگ.



کاستلز، مانوئل، (۱۳۸۲). *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ*، ترجمه حسن چاووشیان، تهران: طرح نو.

گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۲). *بنیادگرایی دینی، احیای اسلامی*، ترجمه هادی نیلی، روزنامه شرق، ۲۸ بهمن. مارش، دیوید و استوکر، جری (۱۳۷۸). *روشن و نظریه در علوم سیاسی*، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

متقی، ابراهیم (۱۳۸۷). *رویارویی غرب معاصر با جهان اسلام*، تهران: انتشارات پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی.

میرزایی، جلال، حمایتیان، احسان و خواجهی، محمدحسن، (۱۳۹۳). «تاثیر تحولات بیداری اسلامی بر روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی»، فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س ۴، ش ۲، تابستان، صص ۱۷۹-۱۵۱

موثقی، احمد (۱۳۷۴). *جنبش‌های اسلامی معاصر*، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت. هی وود، آندرو، (۱۳۷۹). *درآمدی بر ایدئولوژی‌های سیاسی*، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

سایت‌ها

باشگاه خبرنگاران جوان، (۱ مرداد ۱۳۹۴). *شانناژ حقوق بشری رسانه‌های سعودی علیه ایران؛ مطبوعات عربی پیرامون جمع‌بندی هسته‌ای چه گفتند؟*، تاریخ مشاهده: ۶ شهریور ۱۳۹۴، قابل بازیابی در: <http://www.yjc.ir/fa/print/5265417>

پایگاه خبری تحلیلی مشرق، (۲۷ مرداد ۱۳۹۴). *ایران هراسی در هالیوود*، تاریخ مشاهده: ۶ مرداد ۱۳۹۴، قابل بازیابی در:

<http://www.mashreghnews.ir/fa/print/386723>

خبرگزاری فارس، مصاحبه با «حسن هانی زاده»، (۳ تیر ۱۳۹۴). *ایران هراسی و شیعه هراسی دو راهبرد تولیدات رسانه‌های عربی*، تاریخ مشاهده: ۶ مرداد ۱۳۹۴. قابل بازیابی در: <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13940402001338>

منابع انگلیسی

Jameson, Fredric, *Islam and Terrorism*, London, Verso, 1993

Kaplan, Robert, *Supremacy by Stealth*, *Atlantic Monthly*, July, 2003

Laipson, Elleme, 2011, "the Arab spring's strength Impact on U.s-Iran Ravalry

Laclau, E and Mouffe, C, *Hegemony and socialist strategy* (London: Verso, second edition, 2001 Laclau, E and Mouffe, c, recasting Marxism in James martin, Antonio Gramsci,



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های بای جهان اسلام

۲۰۸

سال پنجم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۴

critical Assessments of leading Political philosophers Routledge, 2002

Pipes ,Daniel, Same Difference , *The Islamic Threat* ,National Review ,November,1994

DOI: 10.21859/priw-050205

به این مقاله این گونه استناد کنید:

صالحی نجف‌آبادی، عباس؛ خسروی، بهنام؛ صانعی، راضیه (۱۳۹۴)، «بررسی دلایل هژمونیک شدن گفتمان ایران هراسی و شیعه هراسی

بر اساس نظریه لاکالانو و موفه» فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س ۵، ش ۲، تابستان ۹۴، صص ۱۸۵-۲۰۹.



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای یابی جهان اسلام

۲۰۹

بررسی دلایل هژمونیک شدن گفتمان ایران هراسی و ...